



تهدیدهای امنیتی برآمده از تحریم‌های نفتی ایران

خلیل الله سردارنیا^۱، محمد فلاح^۲، هنگامه البرزی^۳

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، ارائه پاسخی تحلیلی از منظر اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی به این پرسش است که «تحریم‌های شدید نفتی و بانکی مرتبط با آن در بستر تنش‌های سیاسی و هسته‌ای بین ایران و ایالات متحده و هم‌پیمانان غربی آن، چه تأثیری بر امنیت ملی ایران در دهه ۱۳۹۰ داشته است؟» فرضیه پژوهش این است که «با توجه به وابستگی شدید بودجه دولت ایران به درآمدهای نفتی، تحریم نفتی و کاهش شدید این درآمدها، امنیت ملی ایران را در ابعاد اقتصادی و سیاسی آسیب‌پذیر کرده است». یافته‌های پژوهش حاکی از این است که تحریم‌های نفتی در یک دهه اخیر، به‌ویژه در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، سبب نااطمینانی و کاهش شدید سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، کاهش تولید در بخش‌های صنعتی و کشاورزی، عدم انتقال دانش فنی در حوزه نفت، بیکاری فزاینده، تورم شدید، نقدینگی بالای ناشی از استقراض‌های بی‌رویه دولت از بانک مرکزی و چاپ اسکناس، گسترش فساد اقتصادی به‌شکل قاچاق، احتکار، اختلاس، رانت‌جویی، افزایش ضریب جینی یا نابرابری و شکاف طبقاتی شدید، و آسیب‌پذیری شدید سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه‌های کوچک و میانی در بورس، در اقتصاد ایران شده است. این پژوهش به‌شیوه تبیینی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای و اینترنتی و در چارچوب رویکرد جامعه‌بنیاد مکتب کپنهاگ به این نتیجه رسیده است که به‌دلیل وابستگی شدید بودجه دولت ایران به درآمدهای نفتی، تحریم نفت و عدم خرید آن، تأثیری منفی بر امنیت ملی داشته و موجب کاهش نوسان در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اعتراضات و اعتصابات به‌شکل خیابانی شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، امنیت ملی، بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی، تحریم‌های نفتی، اعتراضات اجتماعی-سیاسی

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران نویسنده مسئول: kh-sardarnia@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد شهرضا، اصفهان، ایران

۳. دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران



Security Threats of Iran by Oil Boycotts

Khalil Sardarnia¹, Mohammad. Fallah², Hengameh. Alborzi³

Abstract

The purpose of this study is to provide an analytical answer to this question from the perspective of political economy and political sociology: How has the related severe oil and banking sanctions in the context of political and nuclear tensions between Iran and the United States and its Western allies affected Iran's national security in the 2010s? The research hypothesis is that due to the strong dependence of the Iranian government budget on oil revenues, oil sanctions and the sharp decline in these revenues, Iran's national security in economic and political dimensions has become vulnerable. Findings show that oil sanctions over the past decade, especially during Trump's presidency, (have led to distrust and a sharp decline in foreign and domestic investment, declining production in the industrial and agricultural sectors, a lack of technical know-how in oil, rising unemployment, high inflation and liquidity. High levels of government borrowing from the central bank and printing of banknotes, widespread corruption in the forms of smuggling, hoarding, embezzlement, rent-seeking, increased Gini coefficient or inequality, and severe class divisions, investment vulnerabilities of small and medium-sized investors in the Iranian economy. The study with explanatory-analytical method and library and internet method and in the framework of Copenhagen School's community approach has reached the conclusion that: Due to the strong dependence of the Iranian government budget on oil revenues, the boycott of oil and its non-purchase has had a negative impact on national security and has reduced volatility in many economic indicators and protests and strikes in the form of streets.

Key Words: Iran, National Security, Socio-Political Instability, Oil Boycotts, Socio-Political Protests.



۲۷۹

تهدیدهای امنیتی برآمده
از تحریم‌های نفتی ایران

-
1. Professor of Political Science, Shiraz University
 2. Master of International Relations
 3. Ph.D Graduate of Political Science, Shiraz University
- Corresponding Author: Email: kh-sardarnia@Yahoo.com

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران بارها تحریم شده و ایالات متحده به عنوان سردمدار این اقدام، همواره از تحریم به عنوان یکی از ابزارهای تغییر رفتار ایران استفاده کرده و در هر دوره‌ای به بهانه‌های گوناگونی همچون حمایت از تروریسم بین‌المللی، تلاش برای تضعیف مذاکرات صلح خاورمیانه، دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی و فعالیت‌های ضدحقوق بشری، اقدام به وضع تحریم‌هایی علیه ایران کرده است. در دهه ۱۳۹۰، ایالات متحده، آمیزه‌ای از تهدیدهای نرم (جنگ نرم و رسانه‌ای) و تهدیدهای نیمه‌سخت اقتصادی (تحریم‌ها) را برای ایران به کار بسته است.

از دیدگاه زمامداران آمریکایی، در بین تهدیدهای نیمه‌سخت یا تحریم‌های اقتصادی، تحریم نفتی، پاشنه آشیل یا چالش بسیار مهمی برای ایران به شمار می‌آید. به همین دلیل، این کشور با وجود تبلیغات متناوب، هیچ‌گاه در پی به کارگیری گزینه نظامی علیه ایران نبوده و احتمالاً نخواهد بود؛ زیرا، پیامدهای گزینه نظامی در این منطقه، بسیار دهشتناک خواهد بود. از آنجاکه مهم‌ترین منبع درآمد ارزی ایران، نفت و گاز (بیش از ۶۰ درصد) است و کلیه طرح‌های عمرانی و برنامه‌های توسعه‌ای این کشور، به‌ویژه صنایع پتروشیمی، به نفت و گاز بستگی دارد، ایالات متحده این نوع تحریم‌ها را برای آسیب‌پذیر کردن امنیت اقتصادی و سیاسی ایران و مجبورسازی ایران به کنار گذاشتن برنامه‌های اتمی و موشکی‌اش، بسیار ضروری تلقی کرده و همواره از این اهرم استفاده کرده است.

با رویکردی واقع‌بینانه باید گفت که این تحریم‌ها، با وجود دستاوردهای چشمگیر در راستای تقویت توان داخلی و کسب دستاوردهای ارزشمند اقتصادی و صنعتی، به دلیل وابستگی نهادینه شده ایران به نفت در زمان‌های تشدید تحریم‌ها، به‌ویژه در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ و پس از لغو یکجانبه «موافقت‌نامه برجام» توسط ترامپ، آثار بسیار بدی بر اقتصاد ایران داشته و سبب بروز نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی شده است. از دهه ۱۹۹۰ به این سو، با پایان جنگ سرد، ماهیت و قالب گفت‌وگوهای امنیتی از جنبه صرفاً کلاسیک و سخت نظامی، به سوی تهدیدهای همه‌جانبه نیمه‌سخت اقتصادی و تهدیدهای نرم روانی و فرهنگی-ایدئولوژیک تغییر کرده و در نتیجه، مفهوم امنیت ملی، بسیار پیچیده‌تر و چندبعدی‌تر از گذشته شده است (Nye, 2008, 123).

مکتب کپنهاگ، امنیت را از جنبه‌های گوناگون نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و زیست‌محیطی



بررسی کرده است. پژوهش حاضر نیز براساس آموزه‌های این مکتب بر این نظر است که امنیت اجتماعی و اقتصادی، مستقل از امنیت دولت نیستند؛ بنابراین، با روش تبیینی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌بنیاد مکتب کپنهاگ، در پی ارائه پاسخی تحلیلی از منظر اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی به این پرسش است که «تحریم‌های شدید نفتی و بانکی مرتبط با آن در بستر تنش‌های سیاسی و هسته‌ای بین ایران و ایالات متحده و هم‌پیمانان غربی آن، چه تأثیری بر امنیت ملی ایران در دهه ۱۳۹۰ داشته است؟» فرضیه پژوهش این است که «با توجه به وابستگی شدید بودجه دولت ایران به درآمدهای نفتی، تحریم نفتی و کاهش شدید این درآمدها، امنیت ملی ایران را در ابعاد اقتصادی و سیاسی آسیب‌پذیر کرده است».

در این پژوهش، ابتدا پیشینه و ضرورت انجام پژوهش و سپس، تحریم‌های اقتصادی اعمال‌شده بر ایران بررسی شده و در ادامه، آثار این تحریم‌ها بر بخش‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سرانجام، امنیت ملی واکاوی شده است.

۱. پیشینه پژوهش

شهباز و نادری اصل (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌بندی تأثیرات تحریم‌های نفتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» پس از بررسی اولویت‌بندی تأثیر تحریم‌ها بر امنیت ملی، به این نتیجه رسیده‌اند که به ترتیب، ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و نظامی متأثر شده‌اند.

قره‌گوزلی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «برآورد هزینه اقتصادی تحریم‌های اخیر علیه ایران با استفاده از روش کنترل مصنوعی» به این یافته رسیده است که تحریم‌های بین‌المللی تحمیل‌شده بر ایران که عمدتاً بخش کلیدی انرژی ایران و توانایی این کشور برای دسترسی به نظام مالی بین‌المللی را هدف قرار داده‌اند، به رشد اقتصادی ایران، به‌ویژه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، آسیب رسانده است. براساس برآورد وی در مقاله یادشده، تحریم‌ها در این دوره، سبب کاهش تولید ناخالص داخلی (بیش از ۱۷ درصد) شده است.

ولدانی زرقانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چگونگی اثرگذاری تحریم‌های صنعت نفت و گاز بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور»، روند اثرگذاری تحریم‌ها را بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که ایران، به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، از شوک‌های درآمد ارزی حاصل از نفت تأثیر می‌پذیرد و در واقع، پاشنه آشیل اقتصاد ایران، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

یلفانی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثرات و پیامدهای تحریم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که تحریم‌ها، سبب کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و رکود اقتصادی شده و



اقتصاد مقاومتی را با چالش روبه‌رو کرده است.

مختاری هشی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت ملی» به این نتیجه رسیده است که تحریم‌ها به گونه‌ای مستقیم، قدرت ملی را هدف قرار داده و به صورت غیرمستقیم، بر بخش‌های دیگر کشور نیز تأثیر می‌گذارد.

نتیجه پژوهش فرجی (۲۰۱۴) با عنوان «تأثیر شوک‌های نفتی بر مخارج و درآمدهای دولتی با تأکید بر تحریم‌های ایران» نیز نشان می‌دهد که تحریم‌ها، سبب کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تمرکز بر درآمدهای غیرنفتی مانند مالیات می‌شود.

عزیزنژاد و سیدنورانی (۱۳۸۸) در نوشتاری با عنوان «بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی»، آثار تحریم اقتصادی را بر تجارت خارجی ایران در سه حوزه انرژی، کالا، و خدمات بانکی در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸ بررسی کرده‌اند.

نتیجه مطالعه متقی (۱۳۷۹) با عنوان «تأثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» نشان می‌دهد که تحریم‌ها، سبب کاهش و از بین رفتن فرصت‌های سیاسی و اقتصادی ایران برای ایفای نقش قدرت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس شده است.

اگرچه اهمیت و ارزش پژوهش‌های انجام‌شده را نمی‌توان نادیده گرفت، اما به دلایلی همچون بازه زمانی تحریم، یعنی دوره ریاست جمهوری روحانی، رویکرد نظری متفاوت با تمام پژوهش‌های انجام‌شده با محوریت ابعاد اقتصادی و سیاسی-اجتماعی جدید، و پرهیز از تمرکز صرف بر بعد اقتصادی، انجام پژوهش حاضر، ضروری به نظر می‌رسد.

۲. چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

«امنیت» در لغت به معنای در امان بودن، بی‌بیمی، آسایش، بی‌هراسی (Moein, 1974, 354) و در اصطلاح، «امنیت ملی»، به معنای نبود تهدید نظامی برای ملت یا توان نگهداری کشور از هجوم دشمنان و محافظت از آن در برابر تهدیدهای خارجی علیه زندگی سیاسی و منافع ملی است (Shariatmadar, 2006, 7). فرهنگ روابط بین‌الملل، امنیت ملی را حالتی می‌داند که ملت، فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد (Basiri, 2001, 169). برژینسکی می‌گوید: «منظور من از امنیت ملی، معنی محدود آن، یعنی امنیت نظامی نیست؛ اگرچه قدرت نظامی، یکی از ابعاد مهم رقابت

تاریخی آمریکا و شوروی است. در عوض، معتقدم که امنیت ملی، ملاحظات بیشتری را دربر می‌گیرد؛ از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری فناورانه، حیات ایدئولوژیک، و...».

در این نوشتار، تعریف مکتب کپنهاگ از امنیت محور بحث قرار گرفته است. باری بوزان، بنیان‌گذار این مکتب، با انتقاد از آنچه آن را برداشت ساده‌انگارانه از مفهوم امنیتی می‌نامد، تأکید می‌کند که برخلاف اعتقاد رئالیست‌ها به کسب امنیت از طریق کسب قدرت یا اعتقاد آرمان‌گرایان به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون ارائه یک دیدگاه میانه که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد، به‌عنوان بهترین تعریف برای مفهوم امنیت، ضروری است (Buzan, 2000, 15).

مکتب کپنهاگ در توصیف آثار باری بوزان و ویور به کار رفته و تنها رهیافت مبتنی بر مطالعات امنیتی به شکل جامع و جامعه‌بنیاد است. در مکتب کپنهاگ، امنیت، مفهومی چندبعدی و بیناذهنی است (Buzan, Wæver & de wide et.al, 1998, 32). این مکتب که پس از فروپاشی شوروی شکل گرفت، با رد نظامی محوری در مطالعات امنیتی، امنیت را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی توسعه داد. به نظر باری بوزان، مکتب کپنهاگ بر سه اصل استوار است: (۱) سطح تحلیل آن، جهانی نیست و بیشتر به تحلیل منطقه‌ای گرایش دارد؛ (۲) بخش‌ها و ابعاد امنیت، پرشمار است و تنها به نظامی‌گری محدود نمی‌شود؛ (۳) درباره امنیتی کردن موضوعات نیز دیدگاه خاصی را دنبال کرده و باور به نفی آن دارد (Buzan, 2000, 10).

«امنیتی‌سازی»، یکی از اصلی‌ترین مفاهیم این مکتب است که در سال ۱۹۹۸ توسط بوزان، ویور، و پاپ دووید در کتاب «امنیت: چارچوب جدیدی برای تحلیل امنیت» مطرح شد (Buzan, Waver & Wild, 1998). امنیتی‌سازی به فرایندی گفته می‌شود که سبب قرار دادن برخی از موضوعات در چارچوب حساسیت‌های امنیتی می‌شود. امنیتی کردن در تمام حوزه‌های نظامی و غیرنظامی امکان‌پذیر است و در همه ابعاد امنیت نیز یکسان عمل می‌کند (Friis, 2000, 302). ویور بر این نظر است که هدف نظریه امنیتی کردن، ساخت و ارائه نوعی تجزیه و تحلیل امنیت نومتعارف است که هسته سنتی مفهوم امنیت (بقا، تهدید وجودی) را مورد تردید قرار داده و به گونه‌ای غیرجزمی در دو بخش غیرنظامی و غیردولتی کاربرد دارد (Ebrahimi, 2014, 15). به نظر بوزان، امکان تفکیک تهدیدهای اجتماعی از تهدیدهای سیاسی وجود ندارد و با توجه به تعریف وی از ناامنی اجتماعی، هویت اجتماعی، دربردارنده برداشت سیاسی نیز هست

1. Securitization



(Sardarnia & Abedi, 2016, 33). براساس آموزه‌های این مکتب، امنیت، نوع خاصی از سیاست است که در گستره وسیعی از مسائل کاربرد دارد (Buzan, Waver & Wild, 1998, 21).

مکتب کپنهاگ، ارتباط تنگاتنگی با رویکرد سازه‌انگاری دارد و در واقع، ترکیبی از راهبردهای مادی و سازه‌انگاری است (Sardarnia & Abedi, 2016, 32). در مجموع، انگاره امنیتی‌سازی به مثابه روندهای برساختگی امنیت، توجه به پیوندهای نمادین میان امنیتی کردن و شکل‌های هویت سیاسی جمعی را ترسیم می‌کند؛ بنابراین، امنیتی‌سازی، ایجاد فضای بین‌ذهنی و توجیه تهدید وجودی با شاخص‌های کافی در راستای نتایج قابل توجیه سیاسی است (Ebrahimi, 2014, 16).

براساس این دیدگاه، امنیت اقتصادی، یکی از وجوه اصلی امنیت به‌شمار می‌آید؛ به این معنا که کل بازیگران یا کشگران اقتصادی، فارغ از هر نوع ترس، نااطمینانی، ناامیدی، بی‌اعتمادی، بی‌ثباتی، و نیز فارغ از همه انواع تهدیدهای روحی-روانی، اقتصادی، سیاسی، و نظامی با منشأ داخلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی به فعالیت اقتصادی مستمر می‌پردازند و از ثمره فعالیت‌های تولیدی، توزیعی، یا خدماتی خود بهره‌مند می‌شوند. یک جامعه را زمانی می‌توان به لحاظ اقتصادی ایمن دانست که در آن ثبات وجود داشته باشد و خانوارها و بنگاه‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالمی به بهینه‌سازی رفتار خود پردازند (Sardarnia, 2016, 58).

در پژوهش حاضر نیز تفسیری گسترده و جامع از امنیت ملی با در نظر گرفتن همه ابعاد آن، محور قرار گرفته و تلاش شده است که آثار تحریم‌های نفتی بر امنیت ملی ایران از منظر اقتصادی و سیاسی اجتماعی بررسی شود. در همین راستا، ابتدا تاریخچه‌ای از تحریم‌های اعمالی بر اقتصاد ایران به اختصار بیان شده است.

۳. تاریخچه تحریم ایران

«تحریم»، اقدامی است که توسط یک یا چند بازیگر بین‌المللی علیه کشور تحریم‌شده (آماج تحریم) با هدف وادار کردن آن‌ها به پذیرش هنجارهایی مشخص و جلوگیری از تصمیم یا اقدامات خلاف عرف و نظم بین‌الملل (از دید مجریان تحریم) اعمال می‌شود. تجربه تحریم ایران توسط غرب در تاریخ معاصر ایران به دوران حکومت مصدق و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت برمی‌گردد که در این دوره، آمریکا و انگلستان درصدد برآمدند که با استفاده از ابزار فشار

اقتصادی بر دولت منتخب ایران، نهضت ملی شدن نفت را مهار کنند (Toghyani & Derakhshan, 2014, 121). اما به طور رسمی، ایران از زمان پیروزی انقلاب در دهه ۱۹۷۰، به دلایل گوناگونی از طریق

سازوکارها و ابزارهای مختلف سیاسی و اقتصادی زیر فشار غرب به رهبری آمریکا بوده است. نخستین اقدام تحریمی آمریکا در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۷۹ انجام شد. براساس دستورالعمل کارتر، از فرستادن محموله‌ای به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار، شامل قطعات یدکی نظامی، به ایران جلوگیری شد. او در ۱۲ نوامبر همان سال، واردات نفت خام از ایران را نیز ممنوع اعلام کرد. همچنین، براساس اختیارات خود، اموال و دارایی‌های ایران را مسدود کرد و در ۷ آوریل ۱۹۸۰ با صدور فرمان اجرایی (۱۲۲۰۵) تجارت و معاملات دیگر با ایران را نیز ممنوع اعلام کرد (Keyvan, H. & Eshrati, 2014, 39).

تحریم اقتصادی دیگر آمریکا علیه ایران در سال ۱۹۸۰، در واکنش به گروگان‌گیری سفارت آمریکا انجام شد. این تحریم، قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی، که در زمان محمدرضا پهلوی امضا شده بود، را لغو و فروش تجهیزات نظامی به ایران را غیرقانونی کرد. همچنین، آمریکا، روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد. این تحریم در ژانویه ۱۹۸۱، پس از آزادسازی گروگان‌های آمریکایی لغو شد. در ژانویه ۱۹۸۴ به دلیل بمب‌گذاری در پایگاه نظامیان آمریکا در لبنان و نسبت دادن آن به نیروهای حزب‌الله، دولت آمریکا، ایران را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. این کار، موجب منع صادرات و فروش تجهیزات نظامی به ایران و مخالفت با اعطای وام توسط بانک جهانی شد (Yavari & Mohseni, 2009, 15). محدودیت صادرات کالاهای آمریکایی به ایران از سال ۱۹۸۴ افزایش یافت و واردات کالاهای ایرانی به آمریکا نیز از اواخر سال ۱۹۸۷ به طور کامل ممنوع شد (Behroozifar, 2004, 205).

پس از به قدرت رسیدن کلینتون، سیاست مهار دوجانبه در دستور کار قرار گرفت که تا سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) ادامه یافت (Nawazani, 2005, 386). در مارس ۱۹۹۵، دولت کلینتون با وارد کردن اتهام حمایت از تروریسم و مخالفت با صلح خاورمیانه به ایران، هرگونه مشارکت شرکت‌های آمریکایی را در توسعه نفت ایران، ممنوع و در مه ۱۹۸۶ نیز همه مبادلات اقتصادی با ایران را تحریم کرد. همچنین، در آوریل ۱۹۸۶، هرگونه مبادله مالی با ایران ممنوع، و از کمک‌های مالی به کشورهایی که تجهیزات و خدمات در اختیار ایران قرار می‌دهند، جلوگیری شد (Aziznejad & Seyed, 2009, 175).

قانون تکمیلی ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۶، تقریباً کل تجارت دوجانبه را که در آن شرکت‌های خارجی، سالانه بیش از ۴۰ میلیون دلار در حوزه‌های نفتی جدید ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند را ممنوع کرد (Behroozifar,



(205, 2004). در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۰۰، «قانون منع گسترش نیروهای نظامی ایران» تصویب شد که هدف آن، جلوگیری از صدور فناوری نظامی به ایران بود (Aziznejad & Seyed, 2009, 176). در اوت ۲۰۰۱، قانون تحریم ایران‌لیبی برای یک دوره پنج‌ساله تمدید شد (Yavari & Mohseni, 2009, 18). در دسامبر ۲۰۰۶ و ژانویه و اکتبر ۲۰۰۷، تحریم‌هایی علیه بانک‌های سپه، صادرات، سپاه پاسداران، و وزارت دفاع اعمال شد که براساس ادعای شورای امنیت، دلیل اصلی آن، حمایت مالی از تروریسم و حزب‌الله لبنان و همچنین، تلاش برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی و حمایت از آن بود. در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸، شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی ایران تحریم شدند که دلیل آن، دستیابی ایران به مواد لازم برای تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی بود. در تاریخ اکتبر ۲۰۰۸، بانک توسعه صادرات ایران به دلیل کمک به برنامه تسلیحاتی و هسته‌ای ایران از جانب آمریکا تحریم شد (Aziznejad & Seyed 2009, 179-181). در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰، کنگره آمریکا، قانون جامع تحریم ایران را تصویب کرد. این قانون با تأکید بر ممنوعیت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی ایران که در قانون تحریم ایران مطرح شده بود، به رئیس‌جمهور اختیار اعمال مجازات اقتصادی را بر شرکت‌ها و اشخاصی داد که هر نوع کالا، تجهیزات و خدمات، اطلاعات یا حمایت را به هر شیوه‌ای در اختیار ایران قرار دهند تا به این کشور در حفظ یا توسعه منابع تولید نفت یا پالایش آن کمک کنند. اوپاما پس از آن با صدور فرمان ۱۳۵۹۰ در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱، به‌عنوان متمم قانون تحریم ایران، برای اعمال ممنوعیت تجاری و اقتصادی علیه اشخاصی که در بخش‌های انرژی و پتروشیمی ایران فعال هستند، اختیارات بی‌سابقه‌ای به وزارت خارجه آمریکا داد. همچنین، آمریکا در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱، ممنوعیت‌هایی را بر بانک مرکزی ایران اعمال کرد. با صدور فرمان ۱۳۵۹۹ در ۶ فوریه ۲۰۱۲ توسط اوپاما، دارایی‌های حکومت ایران و تمام نهادهای مالی ایرانی مسدود شدند. همچنین، رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۳ ژوئیه ۲۰۱۲ فرمان اجرایی ۱۳۶۲۲ را صادر کرد که براساس آن، ممنوعیت‌های جدیدی اضافه شدند: (۱) ممنوعیت خرید نفت یا فراورده‌های نفتی از ایران؛ (۲) ممنوعیت تجارت با شرکت ملی نفت ایران یا شرکت نفت ایران؛ (۳) ممنوعیت خرید فراورده‌های پتروشیمی از ایران (Poorahmadi & Bazobandi, 2017, 97-98).

در این تحریم‌ها که از سال ۲۰۱۲ تا تقریباً ۲۰۱۵ ادامه داشت، ایران درگیر سه نظام تحریمی از سوی کشورهای مختلف بود. افزون‌براین، قطعنامه‌های سازمان ملل نیز کار را برای ایران دشوار کرده بود. به‌همین دلیل، صادرات نفت کشور در سال ۲۰۱۲ به شدت کاهش یافت؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از کشورهای اروپایی، واردات نفت از ایران را به صفر رساندند (Mosallanejad, 2016, 123). سرانجام، مذاکرات

موسوم به برجام انجام شد و پس از آن، کشور توانست فتیله پایین کشیده شده تولید و صادرات نفت خود را کمی بالا بکشد. براساس گزارش‌های اوپک، ایران در سال ۲۰۱۰ روزانه سه میلیون و هفتصد هزار بشکه نفت خام تولید می‌کرد که این رقم در سال ۲۰۱۲ و زمان تحریم‌ها به روزانه دو میلیون و نهصد هزار بشکه رسیده بود. براساس گزارش‌های «رویترز»، درآمدهای نفتی ایران در سال ۲۰۱۵ به حدود ۲۰ میلیارد دلار، در سال ۲۰۱۶ به کمی بیشتر از ۳۰ میلیارد دلار، در سال ۲۰۱۷ حدود ۵۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۸ حتی با وجود بازگشت تحریم‌ها، به حدود بیش از ۶۰ میلیارد دلار رسید (Etemad newspaper, February 19, 2019). البته این رشد و رونق، مدت زیادی دوام نیاورد و با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، بار دیگر تحریم‌ها با شدت بیشتری اعمال شد.

چهارمین دور تحریم‌ها توسط ایالات متحده در نوامبر ۲۰۱۸ اجرا شد و هدف آن این بود که ایران را وادار به تغییر چشمگیر سیاست‌های خود در منطقه، از جمله پشتیبانی از گروه‌های شبه نظامی در منطقه و توسعه موشک‌های بالستیک، کند. در سپتامبر ۲۰۱۹، ترامپ در واکنش به حمله مشکوک ایران به تأسیسات اصلی نفت عربستان سعودی، تحریم‌های جدیدی را علیه ایران اعمال کرد. به گفته برایان هوک، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، در یک کنفرانس مطبوعاتی در سال ۲۰۱۹، تقریباً ۱۰۰۰ شخص و سازمان ایرانی تحریم شدند (Brian Hook, 2019). آمریکا ایران را یک تهدید عمده برای منافع و امنیت ملی خود و همچنین، سدی در برابر نفوذ خود در منطقه می‌داند و به دلایلی مانند برنامه هسته‌ای و احتمال دستیابی ایران به سلاح‌های اتمی، کمک‌های ایران به گروه‌های تروریستی در منطقه، کمک به گروه‌های مقاومت در منطقه، عملیات تروریستی، سرکوب مخالفان داخلی خود، و... تحریم‌های گوناگونی را به ایران تحمیل کرده است. در همین راستا در ۱۵ آوریل ۲۰۱۹، وزارت امور خارجه آمریکا، سپاه پاسداران را در فهرست نیروهای تروریستی قرار داد (U.S Department of State, 2019). در ۲۱ فوریه ۲۰۲۰، ایران در لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف قرار گرفت. پس از آن، ترامپ برای جلوگیری از تهدیدهای هسته‌ای، موشکی، و تسلیحاتی متعارف تهران، تحریم‌های گسترده‌ای را علیه ایران اعمال کرد و در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰، ایالات متحده با هدف قرار دادن ۱۸ بانک ایرانی، بخش مالی ایران را تحریم کرد (Rabiee & Takrosta, 2021, 203).

۴. آسیب پذیری اقتصاد رانتیر و امنیت اقتصادی ناشی از تحریم‌های نفتی در دهه ۱۳۹۰

نفت، کلیدی‌ترین و سیاسی‌ترین کالای راهبردی ایران در طول یکصد سال گذشته بوده و بخش مهمی از بودجه دولت ایران را به خود اختصاص داده است. صنعت نفت، به تنهایی ۳۵ درصد از تولید ناخالص



داخلی، ۶۰ درصد از درآمدهای دولت، ۹۰ درصد از درآمدهای حاصل از صادرات، و بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی خارجی کشور را تشکیل می‌دهد. ۳۰ درصد از میزان بیکاری و ۶۰ درصد از نوسان‌های سطح عمومی قیمت‌ها، ناشی از نوسان‌های قیمت نفت است. مقایسه این آمار و ارقام نشان می‌دهد که میزان اثرگذاری درآمدهای ارزی نفتی بر اقتصاد ایران، بسیار زیاد است. تاجایی که تغییر در میزان صادرات نفت، به‌ویژه در پرتو تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد ایران را دچار بحران جدی کرده است. نوسان درآمدهای نفتی بر بی‌ثباتی مخارج مالی دولت و تولید و رشد اقتصادی تأثیر گذار بوده است. درعین حال، کاهش درآمد نفت نسبت به افزایش آن، تأثیر بسیار منفی تری بر تولید و رشد اقتصادی ایران دارد (Sadeghi, Akhavanekazemi & Zarafshan, 2016, 107-108).

بررسی منابع انرژی در دسترس ایران و ظرفیت آن سبب می‌شود که نقش مهم منابع انرژی در سرنوشت مردم جامعه و آینده و امنیتشان آشکارتر شود. ایران در مقام دومین دارنده نفت و گاز جهان، دارای قابلیت بالایی برای ایفای نقشی مؤثر در امنیت انرژی جهانی است. ذخایر عظیم نفتی ایران ۱۵۷/۸ میلیارد بشکه (تا پایان سال ۲۰۲۰) بود. براساس هفتادمین گزارش شرکت انگلیسی «بریتیش پترولیوم»، ایران ۹/۱ درصد کل ذخایر نفتی اثبات‌شده جهان را در اختیار دارد و همچنان، چهارمین مالک بزرگ ذخایر نفتی در جهان به‌شمار می‌آید (BP Statistical Review of World Energy, 2021, 16). برپایه این گزارش، حجم ذخایر گازی ایران تا پایان سال ۲۰۲۰، معادل ۳۲/۱ تریلیون مترمکعب برآورد شده است که به‌این ترتیب، سهم آن از کل ذخایر گازی جهان، برابر با ۱۷/۱ درصد است و پس از روسیه، دومین مالک ذخایر گاز جهان به‌شمار می‌آید. البته در منطقه خاورمیانه، رتبه اول را در اختیار دارد. همچنین، ایران با تولید ۲۵۰/۸ میلیارد مترمکعب گاز در سال ۲۰۲۰، همچنان در تولید گاز، پس از آمریکا و روسیه در جایگاه سوم قرار دارد (BP Statistical Review of World Energy, 2021, 32-33).

مهم‌ترین تأثیر این ظرفیت‌ها بر موقعیت راهبردی ایران، از منظر امنیت اقتصادی بوده است، به‌ویژه اینکه در شرایط کنونی، با اعمال تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، امنیت ملی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. این امر، نشان‌دهنده چندبعدی شدن امنیت، براساس دیدگاه باری بوزان است. از سوی دیگر، اقتصاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های یک جامعه بر سایر ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و زیست‌محیطی نیز تأثیر می‌گذارد. به‌همین دلیل، بحران‌های اقتصادی، قابلیت تبدیل شدن به بحران‌های سیاسی و اجتماعی را دارند و شکل‌گیری اعتراض‌ها و اعتصاب‌های اجتماعی، معیشتی، قومیتی، و حتی زیست‌محیطی در دهه ۱۳۹۰ در ایران، از همین زاویه قابل تحلیل است.

امروزه کارشناسان حوزه انرژی، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی اتکای دولت‌ها به رانت خارجی را که به آن اقتصاد رانتیر گفته می‌شود، با مفهوم نظریه «بلای منابع» مطرح می‌کنند. ایده محوری آن‌ها این است که تجربه دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که تنها صادر کردن نفت یا منابع معدنی دیگر، کشورهای فقیر را به اقتصادهای شکوفا تبدیل نمی‌کند. این کشورها از «معمای نفت» رنج می‌برند. بلای منابع، در محدودترین مفهوم خود، به رابطه‌ای قرینه و وارونه میان اتکای شدید به منابع طبیعی و نرخ‌های پایین رشد اقتصادی، اشاره دارد.

براین اساس، اقتصاد ایران، به دلیل اینکه بیش از نیمی از درآمدهای دولت و نیز ۸۰ درصد درآمدهای صادراتی، به صدور نفت وابستگی دارد به اقتصادی رانتیری تبدیل شده است. در واقع، افزون بر بلای منابع، ایران بر پایه اقتصاد رانتیر خود، وابسته به درآمدهای نفت و گاز است؛ از این رو، هر نوع سناریوی منجر به تهدید از سوی قدرت‌های بزرگ یا مخالف نظام ایران که بتواند درآمدهای حاصل از فروش منابع معدنی، به ویژه نفت و گاز، را کاهش دهد، در دو بعد داخلی و خارجی بر امنیت ملی تأثیری منفی خواهد گذاشت. در بعد داخلی، به دلیل ارتباط تنگاتنگ درآمدهای انرژی و تأثیر آن بر کاهش بودجه سالانه کشور، زندگی روزمره مردم تحت فشار قرار می‌گیرد. در بعد خارجی نیز به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای حاصل از فروش انرژی، به ویژه نفت، هرگونه عدم خرید، سرمایه‌گذاری، و انتقال نفت و گاز از سوی کشورهای دیگر، می‌تواند موجب کم‌ارزش شدن موقعیت راهبردی و کاهش وزن ژئوپلیتیکی آن در سطح منطقه شود (Golafrooz, 2015, 215-218).

بنابراین، تحریم‌ها به عنوان یک مؤلفه امنیتی، به کاهش چشمگیر درآمدهای نفتی دولت انجامیده و سبب کاهش ارزش اعتبار پول ملی ایران، کاهش رشد اقتصادی، تورم و گرانی، کاهش ارائه خدمات دولت به مردم، افزایش نرخ بیکاری، و کاهش قدرت خرید به ویژه برای طبقات کم‌برخوردار جامعه شده است؛ در نتیجه، هنگامی که در یک جامعه، امنیت اقتصادی وجود نداشته باشد، مردم برای رفع نیازهایشان با مشکل روبه‌رو می‌شوند و در این بین، فساد و دزدی نیز رواج می‌یابد. قضیه به همین جا ختم نمی‌شود و به تدریج، اعتراض‌ها و اعتصاب‌های پی‌درپی، امنیت اجتماعی را نیز با مخاطره روبه‌رو می‌کند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین پیامدهای تحریم‌ها برای اقتصاد ایران اشاره شده است.

1. Paradox of Plenty

۴-۱. تأثیر تحریم بر پروژه‌های نفتی

در پی تشدید تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران، به‌ویژه تحریم‌های حوزه انرژی که تولید و صادرات نفت ایران را هدف گرفته بودند، تولید، صادرات، و درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی کاهش چشمگیری یافت. تولید نفت در سال ۲۰۱۱ حدود ۴۴۵۲ بشکه در روز بود. با اعمال تحریم‌ها، روند کاهش تولید نفت شروع شد؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۱۳ به ۳۶۰۹ بشکه در روز رسید. با شروع مذاکرات برجام، این رقم به تدریج افزایش یافت و در سال ۲۰۱۷ به ۵۰۲۴ بشکه در روز رسید. با این حال، با خروج آمریکا از برجام و شروع دور جدی‌تر تحریم‌ها، این میزان در سال ۲۰۱۸ با کاهش ۶/۱ درصدی نسبت به سال قبل روبه‌رو شد و به ۴۷۱۵ بشکه رسید (BP Statistical Review of World Energy, 2019: 16). براساس گزارش اوپک، این رقم در سال ۲۰۱۹ به ۲۳۵۷ بشکه در روز رسید و در دسامبر ۲۰۱۹ به ۲۰۹۲ بشکه کاهش یافت (OPEC, 2020, 58).

۴-۲. عدم جذب سرمایه‌گذاری و انتقال دانش فنی

امروزه مهم‌ترین چالش برای کشورهای تولیدکننده نفت و گاز به‌منظور حضور ثابت و مستمر در بازارهای انرژی، سرمایه‌گذاری کافی در تأسیسات و زیرساخت‌های تولید و انتقال گاز است. همچنین، کشورهای تولیدکننده به واردات فناوری در این حوزه و برای جذب سرمایه‌گذاری و انتقال دانش و فناوری نیز به همکاری با شرکت‌های فراملی یا کشورهای سرمایه‌گذار نیاز دارند (Salimi, 2017, 196).

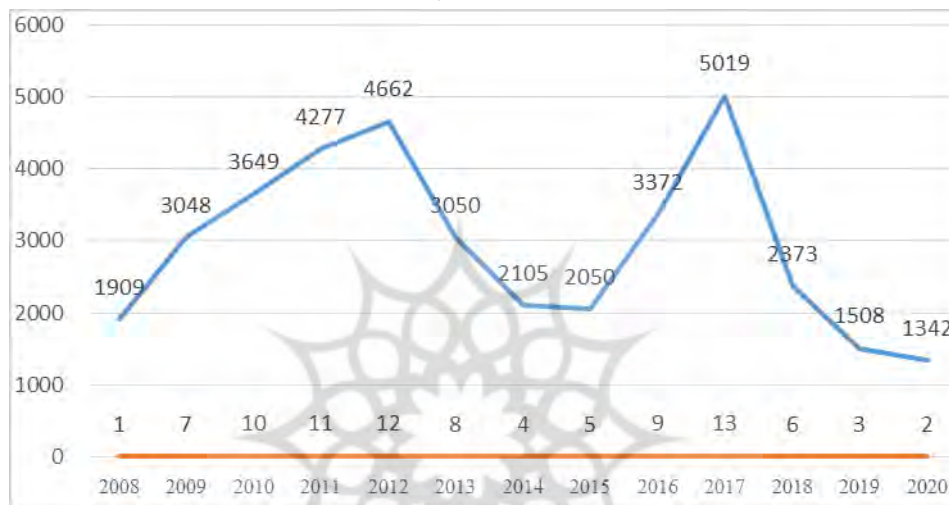
در بخش پتروشیمی، تا سال ۱۳۹۹، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی، حدود ۶۵ میلیون تن بوده است و وزارت نفت و دولت برای رسیدن به ظرفیت ۲۰۰ میلیون تنی در پایان برنامه هشتم، بایستی شرایط لازم را برای جذب سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در راستای افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی فراهم کند؛ اما اعمال تحریم‌ها، سبب عقب‌افتادگی این صنعت و عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌بینی شده شد. در سال ۱۳۹۷، کل صادرات پتروشیمی ایران حدود ۲۰ میلیون تن و به ارزش ۱۰ میلیارد دلار بود که نسبت به سال پیش‌از آن، کاهشی دومیلیارددلاری را تجربه کرد و در سال ۱۳۹۸ نیز افزایش نیافت و تنها در سال ۱۳۹۹ به حدود ۲۴ میلیون تن و به ارزش ۱۳ میلیارد دلار رسید (Book of the year of Iran's petrochemical industry, 2020, 2).

تحریم‌های چند دهه اخیر، یا مانع ورود سرمایه خارجی شده‌اند یا در صورت ورود، بسیار محدود بوده است (Yalfani, Kazemi & Mossadegh, 2016, 9). برپایه آمار منتشرشده توسط آنکتاد، میزان دریافتی ایران از سرمایه‌گذاری خارجی، با شروع دور نخست تحریم‌ها، روبه‌کاهش رفت و پس از مذاکرات برجام، روبه‌افزایش نهاد. با این حال، با خروج آمریکا از برجام با شدت بیشتری کاهش یافت. در سال



۲۰۱۲، میزان جذب سرمایه خارجی توسط ایران ۴۶۶۲ میلیارد دلار بود که این مقدار در سال ۲۰۱۳ به ۳۰۵۰ میلیارد دلار کاهش یافت. این مقدار، روند کاهشی خود را ادامه داد تا اینکه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب به ۳۳۷۲ و ۵۰۱۹ میلیارد دلار رسید. اما در سال ۲۰۱۸ نیز این میزان به ۲۳۷۳ و در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب به ۱۵۰۸، و ۱۳۴۲ میلیارد دلار کاهش یافت (UNCTAD, 2021, 250). براساس داده‌های نمودار شماره (۱) پس از خروج ایالات متحده از برجام و اعمال تحریم‌های بیشتر در دوره روحانی، میزان سرمایه‌گذاری به شدت کاهش یافت که امنیت ملی و اقتصادی ایران را آسیب‌پذیر کرد و زمینه‌ساز اعتراض‌های گسترده اقتصادی و اجتماعی شد.

نمودار شماره (۱). میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از ۲۰۰۸-۲۰۲۰ برحسب میلیارد دلار (براساس آمار آکتاد)



Source: UNCTAD, 2021:250

۳-۴. تأثیر تحریم‌ها بر بخش‌های غیرنفتی (کشاورزی، بانک‌ها و لوازم یدکی)

از آنجا که بخش کشاورزی از حوزه‌های بسیار حساسی به شمار می‌آید که به‌طور مستقیم با امنیت غذایی توده مردم سروکار دارد، پیامدها و آثار ناشی از تحریم در بخش کشاورزی، بسیار نگران‌کننده است. در چنین شرایطی ممکن است ابتدا تولیدات کشاورزی به دلیل اهمیت و حمایت بیشتر دولت افزایش یابد، اما در بلندمدت، نارسایی‌های بسیاری پدید خواهد آمد. افزون‌براین، تحریم نفت، توان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را از بین می‌برد؛ زیرا، دولت حتی نمی‌تواند هزینه‌های خود را تأمین کند. چنانچه درآمد نفتی مسدود شود، کارخانه‌ها تعطیل شده و تولیدات کاهش می‌یابد و در این صورت، مردم مالیات پرداخت نخواهند کرد و در نتیجه، درآمدی هم برای دولت ایجاد نمی‌شود و دولت در آستانه ورشکستگی قرار می‌گیرد.



اختلال در روند تأمین مواد اولیه و لوازم یدکی و تجهیزات و دانش فنی و فناوری نیز یکی دیگر از آثار تحریم‌های تحمیل‌شده بر ایران است. با توجه به مسائل سیاسی، در حال حاضر گروهی از شرکت‌های خارجی، اعم از خریدار و فروشنده، اقدام به قطع روابط خود با شرکت‌های ایرانی کرده‌اند. صادرات و معاملات مربوط به آهن، فولاد، آلومینیوم، و مس نیز تحریم شده‌اند. این قطع ارتباط، سبب توقف روند تأمین برخی از مواد اولیه، ماشین‌آلات و قطعات یدکی، و در نتیجه، کاهش شدید صادرات شده است. همچنین، به‌هائت ارتباط برخی لوازم و تجهیزات با صنایع هسته‌ای یا نظامی، تهیه مواد مورد نیاز بخش صنعت بسیار دشوار شده است. در ضمن، فناوری و دانش فنی برخی صنایع دنیا نیز منتقل نمی‌شود. افزون‌براین، به‌دلیل وضع تحریم‌های بین‌المللی برای برخی از بانک‌های داخلی، انجام عملیات بانکی به‌صورت ارزی محدود به تعداد انگشت‌شماری از بانک‌های فعال داخلی شده که با توجه به قوانین دست‌وپاگیر نظام بانکی کشور، باعث کاهش قابلیت‌ها و قدرت مانور تولیدکنندگان داخلی در بازار سختگیر جهانی شده است (Fashndi & Ghaderi, 2017, 146-151). براساس آمار مرکز آمار ایران، نرخ رشد اقتصادی بخش صنایع و معادن از دهه ۱۳۹۰ منفی بوده است تا اینکه پس از امضای برجام توانست رشد ۱ تا ۳ درصدی را تجربه کند؛ اما بار دیگر با خروج ایالات‌متحده از برجام با کاهش شدیدی روبه‌رو شد و در ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۸ به ۱۶/۶- درصد رسیده و این روند منفی تا ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۹ ادامه داشته است (Statistics Center of Iran, 2021, 2-8).

۴-۴. رکود اقتصادی ناشی از تحریم‌های شدید اقتصادی

هدف از تحریم می‌تواند محروم کردن کشور مورد نظر از دستیابی به بازار جهانی کالا و خدمات و سرمایه و مزوی کردن کشور مورد نظر باشد. در این شرایط، اقتصاد کشور هدف، بحرانی می‌شود. با اعمال دوباره اما شدیدتر از گذشته تحریم‌ها، رشد اقتصادی ایران کاهش یافته و این امر سبب کاهش کیفیت زندگی، استانداردهای رفاهی، و افزایش شدید هزینه‌ها و خدمات اجتماعی شده است. برپایه گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ حدود ۹/۵- برآورد شده است. همچنین، رشد اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ متوقف شد و سپس، به‌دلیل احتمال رشد قیمت جهانی نفت یا تطبیق تولیدکنندگان داخلی با شرایط اقتصادی، رشد حدود ۱ درصدی تا سال ۲۰۲۴ ادامه خواهد داشت. این در حالی است که نرخ رشد در سال ۲۰۱۷ و پیش از اعلام بازگرداندن مجازات‌های اقتصادی توسط دونالد ترامپ، ۳/۷ درصد بوده و در سال ۲۰۱۸ به ۴/۸ درصد رسید که در نمودار شماره (۲) مشخص شده‌اند (IMF, 2019).

نمودار شماره (۲). نرخ رشد اقتصادی در ایران



Source: IMF:2019

براساس گزارش مرکز آمار ایران نیز نرخ رشد اقتصادی در نه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸، ۷/۶- درصد بوده و نرخ رشد اقتصادی بدون نفت در همین بازه، صفر درصد محاسبه شده است؛ در حالی که رقم یادشده طی سال‌های بعد، کمی رشد داشته و سرانجام در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰ نشان‌دهنده رشد ۵/۹ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۴/۱ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت است (Statistics Center of Iran, 2021). به گفته حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، درآمد و اعتبارات ازدست‌رفته ایران به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در سه سال (۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است. به گفته وی، «اگر جنگ اقتصادی نداشتیم، از سال ۱۳۹۵ تا امروز، ۲۰۰ میلیارد دلار منابع اضافی وارد کشور می‌شد. اگر تحریم نبود، نفتی که امروز ما می‌فروشیم و مقدار آن بالا نیست، ۵۰ میلیارد سال گذشته و ۵۰ میلیارد امسال، درآمد ما افزایش می‌یافت» (BBC News, December 31, 2017).

۴-۵. کاهش اشتغال و گسترش فقر و ناامنی و تهدید امنیت اجتماعی

یکی از مشهودترین آثار داخلی تحریم‌ها، کاهش اشتغال، فقر، و بیکاری است که در نهایت، سبب بروز نارضایتی‌های عمومی، هرج و مرج، فساد، کاهش خدمات عمومی، اعتراض‌ها و سرکوب و در یک کلام، ناامنی در بعد اجتماعی می‌شود. نمودار شماره (۴) میزان اشتغال و نرخ مشارکت را در طول چند سال اخیر نشان می‌دهد و مشخص است که در مقاطعی افزایشی بوده و در مقاطعی نیز کاهش داشته است.

جدول شماره (۱). نرخ رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف

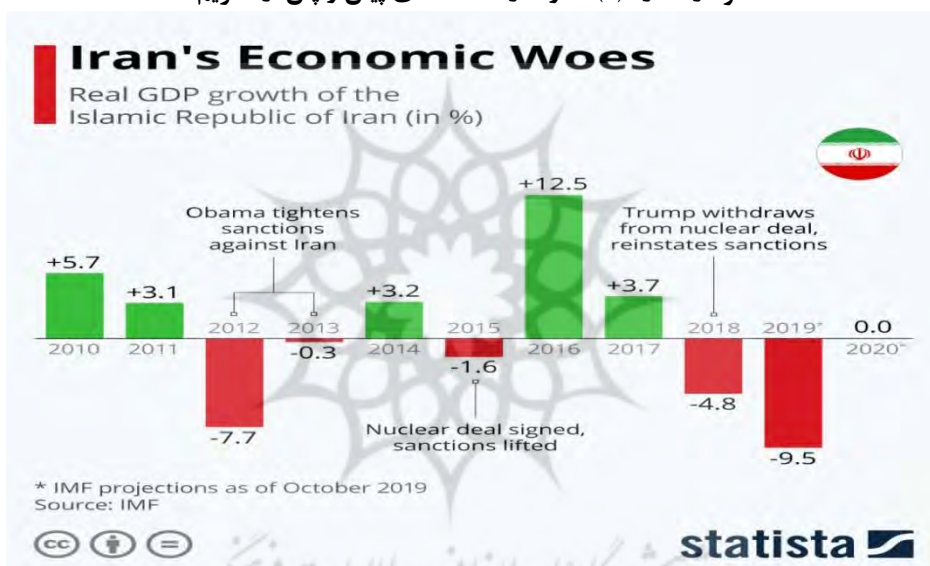
رشد محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده رشته فعالیت‌های عمده اقتصادی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (درصد)

شرح	۳ ماهه اول ۱۳۹۹	۶ ماهه اول ۱۳۹۹	۹ ماهه اول ۱۳۹۹	سال ۱۳۹۹	۳ ماهه اول ۱۴۰۰	۶ ماهه اول ۱۴۰۰
گروه کشاورزی	-۰/۱	۱/۷	۳/۰	۳/۵	-۴/۵	-۴/۳
گروه صنایع و معادن	-۵/۳	-۰/۴	۱/۰	۴/۲	۱۴/۳	۹/۵
گروه صنایع و معادن بدون نفت	-۰/۳	۲/۴	۲/۸	۳/۵	۸/۱	۵/۳
استخراج نفت و گاز طبیعی	-۱۴/۵	-۶/۰	-۲/۴	۵/۶	۲۷/۵	۱۸/۳
سایر معادن	-۰/۵	۱/۴	۱/۴	۱/۰	-۰/۱	-۱/۹
سنت	-۱/۳	-۰/۴	۱/۰	۱/۸	۵/۵	۳/۸
تأمین آب، برق و گاز طبیعی	۳/۱	۷/۶	۵/۵	۵/۱	۱۱/۶	۸/۲
ساختمان	-۲/۱	۱/۹	۳/۹	۶/۳	۱۲/۹	۷/۰
گروه خدمات	-۴/۰	-۳/۷	-۳/۰	-۱/۵	۴/۵	۴/۸
عمده و خرده فروشی، هتل و رستوران	-۸/۳	-۷/۳	-۵/۶	-۳/۵	۴/۹	۳/۱
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	-۲/۹	-۱/۳	-۱/۶	-۰/۶	۸/۲	۶/۹
واسطه‌گری‌های مالی	۱۱/۹	۲/۶	۲/۶	۳/۳	-۴/۳	۱/۵
مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار	-۶/۶	-۲/۹	-۱/۵	-۰/۵	۴/۴	۴/۹
امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری	-۰/۹	-۱/۹	-۲/۰	-۱/۰	۵/۹	۵/۸
سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	-۶/۳	-۶/۵	-۶/۱	-۵/۷	۲۴/۱	۲۳/۸
محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)	-۴/۳	-۲/۱	-۱/۰	۱/۰	۷/۸	۵/۹
محصول ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت بازار)	-۲/۶	-۱/۵	-۰/۸	-۰/۳	۴/۹	۴/۱

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰

نمودار شماره (۳) به خوبی تفاوت رشد اقتصادی در زمان تحریم و پیش و پس از آن را نشان می‌دهد.

نمودار شماره (۳). تفاوت رشد اقتصادی پیش و پس از تحریم



Source: By:Felix Richter, Jan 10, 2020

با این حال، برای درک اثرگذاری منفی تحریم‌ها بر اشتغال و بیکاری باید به هردو نرخ بیکاری و مشارکت باهم توجه کنیم؛ زیرا، نرخ بیکاری، بیانگر یک کسر است که در صورت آن، تعداد افراد جویای کار و در مخرج آن، تمام افراد شاغل و افراد جویای کار قرار می‌گیرند؛ از این رو، کاهش نرخ بیکاری، الزاماً به معنای افزایش اشتغال نیست. انصراف افراد بیکار از جست‌وجوی کار نیز ممکن است به کاهش نرخ



۲۹۴

پژوهش‌نامه ایرانی

سیاست بین‌الملل،

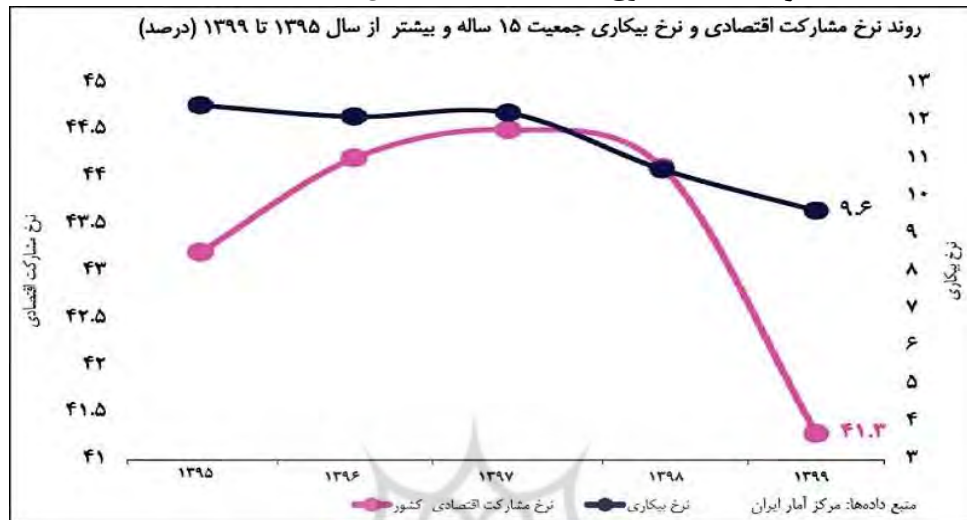
سال ۱۲، شماره ۱، شماره

پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان

۱۴۰۲

بیکاری بینجامد. نرخ مشارکت نشان می‌دهد که چند درصد از افراد در شرایط کار (افراد با سن بیشتر از ۱۵ سال که سرپا یا محصل نیستند) در بازار کار (به صورت شاغل یا بیکار) حضور دارند؛ به عنوان مثال، کاهش ۱/۵ درصدی نرخ مشارکت در زمستان ۱۳۹۹ نسبت به زمستان ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که کاهش نرخ بیکاری، ناشی از شاغل شدن افراد بیکار نبوده، بلکه ناشی از ناامیدی و خروج آن‌ها از بازار کار بوده است.

نمودار شماره (۴). نرخ مشارکت و بیکاری از سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹



۵. اعتراضات اجتماعی در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰؛ پیامد آسیب‌پذیری امنیت ملی در پسابرجام

تقریباً همه اعتراضات اجتماعی و صنفی در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ ماهیت اقتصادی و اجتماعی در ابعاد کاهش رشد اقتصادی؛ کاهش دستمزدها، افزایش بیکاری، تورم، افزایش هزینه‌های رفاهی، سلامت، آموزشی، و... و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به حقوق اجتماعی کارگران و اقشار صنفی داشته است. این امر نشان‌دهنده اهمیت یافتن ابعاد امنیتی دیگر و به این معناست که چگونه عامل اقتصادی که خود متأثر از تحریم‌های خارجی علیه ایران بوده است، می‌تواند بر زندگی و معیشت مردم تأثیر گذاشته و به شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و تهدید امنیت ملی منجر شود. این اعتراضات، تجلی آشکار پیوند و تفکیک‌ناپذیری امر اجتماعی (مطالبات اقتصادی، اجتماعی، و معیشتی) با امر سیاسی، در راستای به‌چالش‌طلبیدن حکومت و پاسخ‌گوسازی حاکمیت و مدیران در بستر و مکان خیابان برای سمت‌وسو دادن به تاریخ‌مندی برای طبقات و اقشار فراموش شده یا کمتر مورد توجه در سیاست و حکمرانی در ایران است. در اعتراضات اخیر، فریادها به شکل‌های متنوعی برای کار، نان، امنیت شغلی، معیشت، و محیط‌زیست سر داده شد که در



راستای امنیت جامعه بنیاد مکتب کپنهاگ با مؤلفه‌های زیست‌محیطی، قومی، هویتی، اقتصادی، و سیاسی، ورای برداشت‌های تقلیل‌گرایانه نظامی کلاسیک در گذشته، قابل تحلیل است.

با کاهش صادرات نفتی و واردات کالاهای صنعتی در نتیجه تحریم‌ها، حجم صادرات نفتی ایران کاهش می‌یابد و کاهش درآمد نفت، سبب کاهش درآمدهای بودجه عمومی شده و توازن بودجه دولت را برهم می‌زند که نتیجه آن، افزایش حجم پول و تورم است. افزون‌براین، از آنجا که صادرات نفتی، بخش عمده صادرات کشور را تشکیل می‌دهد و منبع مهم تأمین ارز به‌شمار می‌آید، بر اثر تحریم این بخش، درآمدهای ارزی، محدود شده و در نتیجه، تولیدکنندگان صنعتی که به مواد اولیه وارداتی وابسته بودند، با مشکل روبه‌رو می‌شوند. در پی بروز مشکلات ارزی برای واردات در گام‌های بعدی، تورم پیشین افزایش می‌یابد و قیمت‌های نسبی در اقتصاد به شدت مختل شده و زمینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری محدود می‌شود و تقاضای نیروی کار و در نتیجه، نرخ اشتغال، روند نزولی را طی می‌کند (Paytakht Oskooi & Taghlabi Akbari, 2016, 10).

در پی تحریم‌های نفتی و به دنبال آن، خروج شرکت‌های بزرگ و کاهش درآمدهای حاصل از آن، دولت، طرح‌های مربوط به توسعه و اشتغال را کاهش داده و نرخ بیکاری افزایش می‌یابد. در این وضعیت است که مردم برای تأمین مایحتاج زندگی و رفع نیازهای اولیه خود، دست به کارهای خلاف قانون نیز می‌زنند. در این اوضاع نابسامان، فسادها و اختلاس‌ها نیز بر پیچیدگی شرایط می‌افزاید و محیطی شکننده و ناامن را در جامعه ایجاد می‌کند. عده‌ای دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند و حکومت برای پیشگیری از این شرایط، به سرکوب می‌پردازد. فاصله بین مردم و حکومت زیاد می‌شود و اعتمادها از بین می‌رود. حاکمیت نیز با بحران‌های مشروعیت عملکردی و کارآمدی و جامعه با بحران توزیع روبه‌رو شده و نمود آن را در برخورد حاکمیت با اقلیت‌ها یا قومیت‌های متفاوت می‌بینیم. این اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در چنین محیط شکننده‌ای، تهدیدی بنیادین برای امنیت ملی به‌شمار می‌آید. همان‌گونه که در اعتراضات دهه ۱۳۹۰ مشاهده شد، نارضایتی‌ها بیشتر دلایل اقتصادی داشتند.

این اعتراضات، نمایی از حساس‌بودن برای پاسخ‌گوسازی مدیران و حکومت در مورد وضعیت معیشت تا محیط زیست هستند؛ علیه فساد و تبعیض فریاد می‌زنند و به زبان ساده می‌گویند نان نداریم، سفره خالی است، کار نداریم، نمی‌توانیم نفس بکشیم، از فساد بیزاریم. دانشجو در اعتراض به سیاست‌های نادرست و مسئله بیکاری فریاد می‌زند و در کنار آن به حمایت از کارگران و بازنشستگان و مال‌باختگان می‌پردازد. در تجمعاتی که برای اعتراض به آلودگی هوا و ریزگردها و مسائل زیست‌محیطی شکل می‌گیرد، عده‌ای هم

علیه ناکارآمدی‌های اقتصادی مشکل فقر را فریاد می‌زنند.

در پژوهشی که نگارندگان درباره دلایل اعتراضات دهه ۱۳۹۰ نگاشته‌اند، عامل اقتصادی، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری اعتراضات شناخته شد و یکی از علل نابسامانی‌های اقتصادی اخیر نیز تحریم‌ها بوده است. وابستگی به نفت باعث شد که شوک تحریم، اقتصاد کشور را به هم بریزد و با تأثیرگذاری بر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، سبب ایجاد نارضایتی‌هایی شود و سرانجام امنیت ملی را متأثر کند. براین اساس، امنیت و ناامنی تنها در شکل نظامی مطرح نیست. به نظر فوران، دلایل اقتصادی مانند فقر و تبعیض در بیشتر موارد از مهم‌ترین عوامل نارضایتی‌ها و بستری برای ایجاد و گسترش جنبش‌ها در طول تاریخ بوده‌اند. شرایط از هم گسیخته اقتصادی، سطح زندگی را برای توده‌های مردم تحمل‌ناپذیرتر می‌کند و شکایت‌های طبقات و گروه‌های اجتماعی را فزونی می‌بخشد (Foran, 1997, 31). حال اگر این از هم گسیختگی اقتصادی با افزایش نیروهای جوان و تحصیل کرده بیکاری همراه شود که در نتیجه شبکه‌ای شدن دنیا، پیوسته در حال آگاه شدن و به‌روز شدن و در نتیجه، مقایسه خود با دیگران هستند، احتمال بروز و ظهور نارضایتی و اعتراض به شرایط موجود، دوچندان می‌شود.

نتیجه‌گیری

به نظر عده‌ای، تحریم، سبب افزایش خودباوری، اتکا به خود، بی‌نیازی از دنیا و مقاومت می‌شود؛ در نتیجه، تحریم، نعمتی است که با تکیه بر آن می‌توان رشد کرد. اما واقعیت این است که هیچ کشوری در هر سطحی از قدرت یا ضعف، از دنیا بی‌نیاز نیست. هرچند تحریم‌های آمریکا ناعادلانه و خلاف اصول حقوق بین‌الملل و اخلاق است، اما پیش از هر چیز باید با چهره و اثرات واقعی آن روبه‌رو شد که مؤثر، دردآور، و باعث بسیاری از مشکلات کشور است.

ایران به دلیل وابستگی به درآمدهای نفت و گاز، با بروز هرگونه تعارض با سیاست‌های جهانی، همواره با تهدید روبه‌رو می‌شود و از آنجا که در بحث امنیت ملی و در بعد داخلی، کاهش بودجه سالانه، زندگی روزمره مردم ایران را تحت فشار قرار می‌دهد، از آن به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی یاد می‌شود. همچنین، در بعد خارجی، به دلیل وابستگی متقابل، هرگونه عدم خرید، سرمایه‌گذاری و انتقال نفت و گاز ایران از سوی کشورهای متعارض و مخالف با نظام فعلی ایران، موجب کم‌ارزش شدن موقعیت راهبردی و کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران در سطح منطقه و جهان خواهد شد. این پژوهش با طرح این پرسش که «تحریم‌های نفتی چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد» آغاز شد و در پاسخ، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های مکتب کپنهاگ و تأکید بر ابعاد گوناگون امنیت، به این نتیجه رسیدیم که «به دلیل وابستگی شدید بودجه



دولت ایران به درآمدهای نفتی، تحریم نفت و عدم خرید آن، تأثیری منفی بر امنیت ملی دارد و می‌تواند موجب کاهش نوسان در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، بروز اعتراضات و اعتصابات داخلی، و بی‌اعتمادی و بحران‌های پرشمار شده و ادامه حیات را دشوار خواهد کرد.

در اینجا عامل اقتصادی تحریم، یک مؤلفه مهم امنیتی است که امنیت ملی ایران را با تهدید جدی روبه‌رو کرده است. کاهش ناگهانی درآمدهای ارزی، به‌علاوه وابستگی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به بودجه عمرانی، موجب کاهش رشد تولید و رکود فعالیت‌های اقتصادی در کشور شده و در نتیجه، وابستگی به درآمدهای نفتی، مدیریت کلان مالی و اقتصادی کشور را مختل کرده است. معیشت مردم، تحت تأثیر قرار گرفته، بیکاری افزایش یافته، تورم و گرانی گسترده شده، فساد و دزدی رواج یافته، و همه این‌ها به مرحله‌ای رسیده است که مردم، چاره‌ای جز اعتراض و کف خیابان آمدن ندارند. اعتراضات سراسری و پرشمار، کنترل و مدیریت همه بخش‌های یک جامعه را مختل می‌کند و تهدیدی جدی برای موجودیت یک نظام است.

نگرانی اصلی ایران در مقام یک کشور صادرکننده نفت، مسئله تحریم نفت است؛ در نتیجه، در شرایط فعلی، ایران باید نگران حفظ متقاضیان موجود باشد. در این راستا، چالش‌هایی همچون محدودیت جذب سرمایه خارجی و انتقال دانش فنی ناشی از مسئله تحریم‌ها، آمادگی محدود در زمان بروز اختلال در عرضه، و افزایش اختلافات تجاری می‌تواند مانع افزایش تقاضای نفت ایران در سطح بین‌المللی شود.

شاید اکنون یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که دولت می‌تواند در راستای حل این مشکلات معیشتی و بحران‌های پیش‌رو بردارد، پای نهادن در مسیر درست مذاکرات با کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده باشد؛ زیرا، در صورت دستیابی به نتیجه مطلوب، که در واقع به معنای رفع تحریم‌ها است، زمینه همکاری‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور و همچنین، انجام اصلاحات اقتصادی در داخل فراهم می‌شود؛ شرایطی که در حال حاضر، لازمه بهبود اقتصاد ضعیف ما است و با ادامه تحریم‌ها، غیرممکن می‌شود. در نتیجه، مذاکره مستقیم با آمریکا، عقلانی‌ترین، منطقی‌ترین، و درعین حال کم‌هزینه‌ترین مسیر برای حل و فصل مناقشات است.

References

- Aziznejad, S. & Seyed. N., M. R. (2009). Study of the Effects of Sanctions on Iran's Economy with Emphasis on Foreign Trade. *Quarterly Journal of Parliament and Research*, 16(61). [in Persian].
- Bassiri, M. A. (2001). *Changes in the National Security Concept*. Tehran: Political Information – Financial. 4(1 & 2). [in Persian].

- BBC News (December 31, 2017). *Rouhani: Sanctions Reduced Iran's Revenue by about \$ 200 billion*, available at: <https://www.bbc.com/persian/iran-50956500>. [in Persian].
- Behroozifar, M. (2004). The Effect of US Unilateral Sanctions on the US Commercial Economy and Global Energy Markets. *Quarterly Journal of Business Research*, 33. [in Persian].
- Book of the year of Iran's petrochemical industry (2020). Production of Petrochemical products. available at: https://nipc.ir/uploads/133792_tolid.pdf. [in Persian].
- Bozan, B. (1999). *People, Governments and Fear*. Translator: Publisher, Tehran: Strategic Research Center. [in Persian].
- BP Statistical Review of World Energy (2021). at: <https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/statistical-review/bp-stats-review-2021-full-report.pdf>.
- Brian, H. H. (2019). Press Briefing with Brian Hook, U.S. Special Representative for Iran, and Victoria Coates, Senior Director for Middle Eastern Affairs. NSC, available at: <https://www.state.gov/press-briefing-with-brian-hook-u-s-special-representative-for-iran-and-senior-policy-advisor-to-the-secretary-of-state-and-victoria-coates-deputy-assistant-to-the-president-senior-director-for-middle/>.
- Buzan, B. (2000). Introduction to the Copenhagen School in Security Studies, Scientific Dialogue. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 3(3). [in Persian].
- Buzan, B., Wæver, O. & Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*, (Boulder, Colo; London: Lynne Rienner).
- Camp, J. (2004). *Strategic Geography of the Middle East*. translated by Seyed Mehdi Hassani Matin, Tehran: Research Institute for Strategic Studies Publications. [in Persian].
- DW Persian (25/01/2020). Iran's Non-Oil Revenues in the Circle of Sanctions. available at: <https://www.dw.com/fa-ir/a-52141750>. [in Persian].
- Ebrahimi, N. (2014). A Comparative Study of the Concept of Security in the Late Security Schools. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 17(4), 7-30. [in Persian].
- Etemad Newspaper (February 19, 2019). *The Doubling of Oil Exports after Barjam*. No. 4310, available at: <https://www.magiran.com/article/3870807>. [in Persian].
- Etemad newspaper (November 14, 2019). *14% Decrease in Iranian Exports in the Last 20 Years*, No. 4510, available at: <https://www.magiran.com/article/3976924>. [in Persian].
- Faraji Dizaji, s. (2014). The Effects of Oil Shocks on Government Expenditures and Government Revenues Nexus (with an Application to Iran's Sanctions). *Economic Modelling*, 40, 299-313.
- Fashndi, N., Ghaderi, H. (2017). Study of the Legal Basis of Smart Sanctions Against Iran and the Effects of Borjam on these Sanctions. *Qanun Yar Scientific Quarterly*, 2, 136-172. [in Persian].
- Foran, J. (1997). *Theorizing Revolution*. Routledge.
- Friis, K. (2000). From Liminarsto others: Securitizations through Myths. *A Journal of Network of Peace and Confikhct Studies*, (2000).
- Gharehgozli, O. (2017). An Estimation of the Economic Cost of Recent Sanctions on Iran Using the Synthetic Control Method. *Economics Letters, Elsevier*, 157(C), 141-144.
- Golafrooz, M. (2015). The Geopolitical Role of Energy on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *World Politics Quarterly*, 4(3), 199-224. [in Persian]. <https://nipc.ir/uploads/foroosh.pdf>. [in Persian].
- International Monetary fund (IMF). Country Data of Iran. (October, 2019). available at:

- <https://www.imf.org/en/Countries/IRN>, Access to: February 11 2020.
- Iran Petrochemical Industry Yearbook (2020). *Production of Petrochemical Products*.
- Keyvan, H., S. A. & Eshrati, Kh., F. (2014). A Constructivist Approach to the Evolution and Intensification of US Sanctions Policy against Iran (1980-19-2012). *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*, 2(8), 32-59. [in Persian].
- Moein, M. (1974). *Moein Dictionary*. Vol. 1, Tehran, Amirkabir Publications. [in Persian].
- Mohseni, S. & Salehi, A. (2011). US Objectives of Securing Iran's Nuclear Activities (Looking at the Copenhagen School). *Foreign Policy Quarterly*, 25(3), 614-634. [in Persian].
- Mokhtari, H., H. (2015). The Impact of International Sanctions on National Power Factors; Emphasizing Security Council sanctions against Iran. *Geopolitical Quarterly*, 38. [in Persian].
- Mosallanejad, A. (2016). Nuclear Diplomacy and the Strategy of Reconciliation in Iran's Foreign Policy. *World Policy Quarterly*, 5(3), 97-130. [in Persian].
- Mottaghi, E. (2000). The Impact of US Economic Sanctions on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, 9. [in Persian].
- Nasiri, H. (2005). Sustainable National Security. *Political-Economic Information Monthly*, 216-215, 83-89. [in Persian].
- Nawazani, B. (2005). Application of US Sanctions in Dealing with the Islamic Republic of Iran. *Foreign Policy Quarterly*, 19(2). [in Persian].
- Negin Taji, Z.; Hosseini, H., & Kiani, A. (2011). Economic Indicators and National Security of Iran. *Quarterly Journal of Political and International Research*, 9, 193-202. [in Persian].
- Nye, J. S. (2008a). *Power in the Information Age*. translated by Saeed Mirtorabi. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [in Persian].
- OPEC Monthly Oil Market Report (January 15 2020). available at: https://www.opec.org/opec_web/en/publications/338.htm.
- Paytakht Oskooi, S.A. & Taghlabi Akbari, L. (2016). Study of the Impact of Sanctions on the Employment Status of Women in Iran. *Quarterly Journal of Women and Family Studies*, 8(31), 7-21. [in Persian].
- Poorahmadi, H. & Bazobandi, A. A (2017). Analysis of the Borjam Nuclear Agreement Based on the Metaphor of a Two-Level Game. *World Politics Quarterly*, 7(3), 79-119. [in Persian].
- Rabiee, H. & Takrosta, M. (2021). A Study of the Effects of US Economic Sanctions on the Economy of Rural Areas in Iran. *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 10(3), 199-214. [in Persian].
- Richter, F. (2020). *Iran economics woes*. available at: <https://www.statista.com/chart/20454/real-gdp-growth-of-iran/>.
- Sadeghi, S. S.; Akhavanekazemi, M., & Zarafshan, V. (2016). Effects of Oil-Based Political Economy on Iran's National Security. *Quarterly Journal of Political and International Research*, 27, 103-135. [in Persian].
- Salimi, T. H. (2017). Cross-Border Gas Pipelines and Rnergy Decurity of the Islamic Republic of Iran. *International Political Research Quarterly*, 32, 72-90. [in Persian].
- Sardarnia, Kh. (2016). The Impact of Soft War on Vulnerability and Threat to Iran's Economic Security. *Journal of the Islamic Revolution*, 6(20), 57-75. [in Persian].
- Sardarnia, Kh., & Abedi, M. (2016). Analyzing the Wide Pankurdism from the Copenhagen



۳۰

پژوهش نامه ایرانی
سیاست بین المللی،
سال ۱۲، شماره ۱، شماره
پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان
۱۴۰۲

- School and Constructivism Perspective. *Journal of Politics and Law*, 9(9).
- Shahbaz, H., & Naderi, A., S. (2020). Prioritizing the effects of oil sanctions on the national security of the Islamic Republic of Iran by hierarchical analysis. *Foreign Policy Quarterly*, 34(1). [in Persian].
- Shariatmadar, J., S. N. (2006). Security in Islam. *Quarterly Journal of Political Science*, 1(34), 7-50. [in Persian].
- Statistics Center of Iran (2021). Key Indicators of the Whole Country. *Economic Growth Rate*. available at: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/rosd6mahe1001.pdf>. [in Persian].
- Toghyani, M., & Derakhshan, M. (2014). Analysis of the factors affecting Iran's economic sanctions and strategies to deal with it. *Strategy Quarterly*, 23(73), 115-145[in Persian].
- U.S department of State. (April 8 2019). *Designation of the Islamic Revolutionary Guard Corps*. at: <https://www.state.gov/designation-of-the-islamic-revolutionary-guard-corps/>.
- UNCTAD, World Investment Report (2019). available at: https://unctad.org/system/files/official-document/wir2021_en.pdf.
- Vaezi, H. (2000). *Iran and the United States: A Study of American Policies in Iran*, Tehran: Soroush Publications. [in Persian].
- Valdani Zarghani, E. (2015). A Study of the Impact of Oil and Gas Industry Sanctions on Macroeconomic Variables of the Country by Insisting on Countering the Impact of Oil Export Income, *Resistance Economics Research*, 5. [in Persian].
- Yalfani, A.; Kazemi, F., & Mossadegh, F. (2016). Study of the effects and consequences of sanctions on foreign investment in Iran and the relationship between the resistance economy and reducing the negative effects of sanctions, *Shabak Monthly*, 2(2), 1-10. [in Persian].
- Yavari, K., & Mohseni, R. (2009). The Effects of Trade and Financial Sanctions on the Iranian Economy: A Historical Analysis, *Quarterly Journal of Parliament and Research*, 16(61). [in Persian].

